

از افغانستان تا ایران؛

تحقیر در وطن و طرد شدن در غربت



فکرش را نمی‌کردم که روزی مجبور می‌شوم خانه را ترک بگویم. مهاجر شدن چیزی بود که حتی در خاطر نمی‌گنجید. اما انگار زمان مهاجرت و تکرار تاریخ رسیده بود و کارش نمی‌شد کرد. کشوری که حاکمان آن گرگ باشند، هرازگاهی گوسفندان طعمه گرگان می‌شوند تا گرگان به مقصدشان برسند. من، ریحان حسین، که اولین گریه و لبخندم را در کشور همسایه کرده بودم، در چهارسالگی ام، وقتی تازه وطن ما جان گرفته بود و همه امیدوار به آبادی آن بودند، پدر و مادرم تصمیم گرفتند...

آیا آمریکا از خاور میانه می‌رود؟



نقض حقوق زنان؛

اتحادیه اروپا سه مقام ارشد طالبان را تحریم کرد

وزیر دفاع پاکستان:

نمی‌دانستیم که طالبان به دشمنان ما پناهگاه می‌دهند

را در آنجا برنامه‌ریزی می‌کنند. با این حال، امیرخان منقی، سرپرست وزارت امور خارجه طالبان در دیدار با اصف درانی، نماینده ویژه پاکستان در امور افغانستان در کابل نیز گفته است که

می‌دهند. خواجه محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان روز جمعه، ۳۰ سرطان، به خبرنگاران گفته است که در یک سال گذشته افراد کلیدی تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) در افغانستان کشته شده‌اند. وی تصریح کرده است که طالبان باید متوجه سخنان خود باشند.

پس از انجام چند حمله مرگبار اخیر از سوی تحریک طالبان پاکستان علیه نیروهای امنیتی آن کشور، مقام‌ها در اسلام‌آباد گفتند که اعضای تی‌تی‌پی در قلمرو افغانستان پناهگاه‌های امن دارند و این حملات



صبح، کابل: وزیر دفاع پاکستان گفته است که اسلام‌آباد از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان خوشحال شده بود و به این گروه تبریک نیز گفت، اما نمی‌دانستند که طالبان به «دشمنان پاکستان» پناهگاه

منابع: محفل داران در هرات در آزای پخش موسیقی به طالبان پول می‌پردازند



صبح هرات: منابع محلی در هرات می‌گویند که طالبان پس دریافت پول اجازه می‌دهند تا محفل‌داران در این ولایت، در محافل عروسی‌شان موسیقی پخش کنند. منابع روز شنبه، ۳۱ سرطان، به روزنامه صبح گفتند که کارمندان ریاست امر به معروف طالبان در این ولایت، درهماهنگی با مالکان تالارهای عروسی از محفل‌داران پول دریافت می‌کنند. براساس اطلاعات منابع، مالکان تالارهای عروسی و ماموران امر به معروف طالبان در شهر هرات، از کسانی که محفل برگزار می‌کنند، از ۳۰ تا ۵۰ هزار افغانی به‌هدف اجازه پخش موسیقی پول دریافت می‌کنند. مسوولان محلی طالبان در هرات در این مورد چیزی نگفته‌اند. پیش از این نیز گزارش‌های از اخاذی گروه طالبان از شهروندان کشور نشر شده است. این در حالی است که سال گذشته وزارت امر به معروف طالبان پخش موسیقی در هتل‌های عروسی را ممنوع اعلام کرد.

منابع: یک مقام صحی طالبان برزنی در تخار تجاوز کرده است

زن قربانی فریبا (مستعار) نام دارد و باشنده روستای آقله مامانی ولسوالی خواجه‌غار تخار است.

این منابع می‌افزایند که حماس ابتدا این زن را از این روستا به ولسوالی دشت ارچی کندز برده و پس از آن به مرکز ولسوالی خواجه غار انتقال و پیهم مورد تجاوز جنسی قرار داده است. براساس گفته‌های این منبع، حماس هنگام تجاوز بر این زن روز سه‌شنبه، ۲۷ سرطان، از سوی افراد مربوط به قوماندانی امنیه طالبان در تخار، بازداشت شده است.

قوماندانی امنیه تخار این رویداد را تایید کرده است. به‌قول منابع، وضعیت صحی زن قربانی خوب نیست و حماس از ولسوالی خواجه‌غار به نظارت‌خانه در شهر تالقان، مرکز ولایت تخار منتقل شده است.

پیش از این نیز افراد مربوط به طالبان متهم به رویدادهای مشابه شده‌اند. پسر یک فرمانده طالبان ماه ثور سال جاری در غور نخست بر یک دختر تجاوز کرد و سپس او را کشت

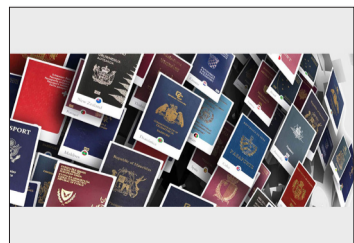


صبح، تخار: منابع در ولایت تخار ادعا می‌کنند که یک مقام طالبان در ولایت تخار بر یک زن تجاوز کرده است. منابع معتبر روز جمعه، ۳۰ سرطان می‌گویند که این مقام طالبان عزیزالله نام دارد و مشهور به حماس است. او به‌عنوان امر صحت عامه ولسوالی دشت‌قلعه تخار وظیفه اجرا می‌کند.

حضور فعال تی‌تی‌پی در افغانستان و امتناع طالبان



تصویر سقوط سیاسی و تمدنی افغانستان و منطقه مادر رتبه‌بندی پاسپورت‌ها





منع اشتراک دختران در آزمون کانکور؛

دانش آموزان: ناامیدتر از قبل شده ایم



۸ صبح، پروان

یکی از دختران او به تازگی از مکتب فارغ شده و دو دختر دیگرش نیز دانش آموزان صنف‌های پنج و شش یکی از مکاتب ولایت کاپیسا هستند. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «حذف و منع آموزش دختران و زنان از جامعه، پیامد منفی دارد. شما فکر کنید که در دو سال گذشته با این اقدام، چقدر به پیکر زخمی افغانستان ضربه مادی و معنوی وارد شده است. پاسخگوی این که هزاران دختر از تعلیم بازمانده‌اند، کیست و چگونه این فاجعه را جبران کنیم؟»

فضل‌الدین اضافه کرد: «در حال حاضر من با هزاران مشکل دست‌وپنجه نرم می‌کنم، اما دخترانم را اجازه داده‌ام تا درس بخوانند؛ اما از این که طالبان اجازه نمی‌دهند، مجبورم که به هر قسم که می‌شود، به خاطر سرنوشت فرزندانم از کشور خارج شوم. طالبان نباید از این بیشتر مردم را در اندوه بنشانند.»

بربنیاد زمان‌بندی اداره ملی امتحانات، قرار است دور نخست آزمون کانکور در ۲۹ و ۳۰ سرطان در ولایت‌های غور، سرپل، دایکندی، لوگر، فاریاب، خوست، جوزجان، تخار، پکتیا، بغلان و بامیان برگزار شود. سال گذشته نیز، اولین کانکور سراسری ورودی دانشگاه‌ها پس از روی کار آمدن طالبان در حالی برگزار شد که داوطلبان زن با محدودیت انتخاب برخی رشته‌ها و دانشکده‌ها مواجه شدند. این گروه به داوطلبان دختر اجازه انتخاب پنج رشته تحصیلی ژورنالیزم، اقتصاد، انجینری، و تئری و زراعت را نداده بودند.

از تصمیم جدید طالبان چنین استنباط می‌شود که دانش آموزان دختر حالا از ادامه تحصیلات در همه رشته‌ها محروم شده‌اند.

گفتنی است که طالبان با تسلط دوباره بر کشور، همانند دوره نخست حاکمیت خود، دروازه‌های مکاتب متوسطه و لیسه و همچنان دانشگاه‌ها را به روی دختران بسته‌اند. با وجود تعهدات مکرر مقام‌های این گروه به بازگشایی مکاتب، نزدیک به دو سال است که دختران از فراگیری آموزش محروم نگه داشته شده‌اند.

هرچند انتظار می‌رفت که این تصمیم طالبان کوتاه‌مدت باشد؛ زیرا حدود دو سال پیش وزارت معارف این گروه در مورد «ایجاد فضای امن برای آموزش دختران طبق شریعت اسلامی» سخن گفته بود، اما در اواخر سال ۲۰۲۲ فرمان تعلیق تحصیل دختران، ناامیدی دختران افغانستان را بیشتر ساخت.

بسته ماندن مکاتب و دانشگاه‌ها به روی دختران، واکنش‌های ملی و بین‌المللی را همواره در قبال داشته، اما هیچ‌یک از این واکنش‌ها تا کنون نتیجه مثبت در پی نداشته است.

شرکت در آزمون کانکور لحظه‌شماری می‌کرد، با چشمان پر اشک و گلوئی پر از بغض می‌گوید که این تصمیم وزارت تحصیلات عالی طالبان آنان را بیشتر از پیش ناامید کرده است. نسرین تصریح کرد: «من یازده سال مکتب را به بسیار مشکلات رفتم و یک‌ونیم سال پیش هم زمانی که طالبان تسلط پیدا کردند، هرچند اجازه رفتن مکتب را نداشتیم، اما حداقل همین آزمون کانکور یک امید برای ما بود، اما طالبان این امید را هم به ناامیدی تبدیل کرده‌اند.»

فرشته ترین، فارغ یکی از مکاتب شهر کابل و در حال حاضر یکی از داوطلبان کانکور امسال است. او می‌گوید که چندی پیش برای اخذ فورم کانکور به مکتب رفته بود، اما به وی کارت کانکور داده نشد و با حسرت و ناامیدی به خانه برگشت. او اضافه کرد: «در سال جاری با چند دوست دیگر ما به مکتب رفتیم تا فورم کانکور دریافت کنیم، اما مدیر مکتب به ما گفت که تا هنوز اجازه توزیع فورم کانکور برای دختران از طرف وزارت تحصیلات عالی به ما داده نشده است. همان زمان فهمیدیم که امسال به ما اجازه اشتراک در این امتحان را نمی‌دهند.»

با این حال، دختران دانش آموز از طالبان می‌خواهند که همانند پسران به آن‌ها نیز اجازه داده شود تا در آزمون کانکور شرکت کنند. فرشته گفت: «هر محدودیتی که وضع می‌کنند، ما قبول داریم، اما اجازه دهند که ما در این آزمون اشتراک کنیم. دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها را به روی ما باز کنند. دیگر خسته شده‌ایم. در کجای شریعت اسلامی آمده که زنان و دختران از حق آموزش بازمانند؟»

از سویی هم، شماری از شهروندان کشور می‌گویند که حذف زنان از جامعه پیامدهای ناگواری خواهد داشت. فضل‌الدین، پدر سه دختر و دو پسر است.

اداره ملی امتحانات تحت مدیریت طالبان اعلام کرد که در آزمون کانکور سال جاری تنها دانش آموزان پسر اشتراک خواهند کرد. به گفته این نهاد، تصمیم منع اشتراک داوطلبان دختر براساس دستور کتبی وزارت تحصیلات عالی طالبان گرفته شده است. منع اشتراک دختران در این آزمون از سوی طالبان، با واکنش تند شماری از داوطلبان دختر مواجه شده است. آنان می‌گویند که این تصمیم وزارت تحصیلات عالی طالبان داوطلبان آزمون کانکور امسال را ناامید کرده است. آنان از طالبان می‌خواهند که همانند پسران به آن‌ها نیز اجازه داده شود تا در آزمون کانکور شرکت کنند. با این حال، شماری از شهروندان کشور می‌گویند که حذف زنان از جامعه، پیامدهای ناگواری خواهد داشت.

در ادامه وضع محدودیت‌ها بر زنان و دختران، اداره ملی امتحانات تحت مدیریت طالبان به تازگی اعلام کرده است که آزمون کانکور امسال بدون حضور دختران و زنان در کشور برگزار خواهد شد.

این نهاد روز سه‌شنبه، ۲۷ جوزا، در توییتی نوشته است که تصمیم منع اشتراک دانش آموزان دختر در آزمون کانکور، براساس دستور کتبی وزارت تحصیلات عالی طالبان گرفته شده است.

اداره ملی امتحانات طالبان تصریح کرده است که این اداره در انتخاب اشتراک‌کننده‌گان کانکور مسؤلیتی ندارد و «این کار وزارت تحصیلات عالی است که از چه کسی آزمون می‌گیرد و از چه کسی نمی‌گیرد.»

اما شماری از شهروندان کشور این تصمیم طالبان را ادامه محدودیت‌های این گروه بر دختران و زنان کشور عنوان می‌کنند. نسرین، از دختران دانش آموزان یکی از مکاتب شهر چاریکار ولایت است. او که از یک سال به این سو برای

غروبی در غربت؛ درگذشت استاد واصف باختری

از لحظه‌ای که خبر درگذشت استاد محمدشاه واصف باختری پخش شد، سیلی از تعزیت و اظهار اندوه در صفحات مجازی به راه افتاد و شهروندان باسواد افغانستان و ادب‌دوستان کشورهای همسایه در سراسر جهان، از دست رفتن او را ضایعه‌ای بزرگ برای شعر و ادب این کشور و منطقه خواندند. این پیمان‌ه از قدردانی، در جامعه‌ای سیاست‌زده و گرفتار بحران‌های چندلایه، درباره چهره‌ای ادبی کم‌سابقه بود، به‌ویژه از این حیث که شعر واصف باختری با زبان فخیم و باصلابتش و با برخورداری از تصاویر و استعاره‌های بکر که تنها برای نخبه‌گان ادبی و فرهنگی آشناست، از دسترس درک عامه به دور است.

آشنایان عرصه شعر و ادبیات می‌دانند که واصف باختری به قله‌هایی بلند رسیده بود و چنان‌که محمدکاظم کاظمی گفت، جز استاد خلیل‌الله خلیلی کسی همتای او در میان شاعران این سرزمین در این روزگار نبود. شماری او را هم‌وزن احمد شاملو، سهراب سپهری و دیگر شاعران طراز اول قلمرو زبان فارسی در عصر حاضر خواندند و گفتند اگر او متعلق به سرزمین دیگری جز افغانستان می‌بود، به دریافت جوایزی بزرگ و تقدیرنامه‌هایی گران‌بها نایل می‌شد. در وصف شعر واصف بسیار بیشتر از این می‌توان گفت و در آینده حتما آثار فراوانی در آن باره نوشته خواهد شد.

یکی از نکات قابل درنگ ولی اندوه‌آور در این زمینه، این است که کسی به عظمت واصف باختری، که مایه سربلندی و غرور یک کشور است، چرا در سرزمین خود امکان زنده‌گی نمی‌یابد و جور زمانه او را راهی ابدی دیار غربت می‌کند. این البته نخستین شاعر و ادیب برجسته این سرزمین نیست که در حیات خود با این آب و خاک برای همیشه بدورد می‌گردد، همسان و هم‌کاب با بسیاری از هنرمندان و چهره‌های نام‌آشنای دیگری که روزی برای افغانستان، در میان کشورهای منطقه و جهان، آوازه و جایگاه می‌آفرینند. در جامعه‌شناسی می‌بختی مهم وجود دارد زیر عنوان جامعه‌شناسی معرفت و در آن جا بحث می‌شود که در چگونه جوامعی و در چه مناسبات و شرایطی بذر معرفت شروع به بالیدن می‌کند و به ثمر می‌نشیند. ما می‌توانیم از همین منظر، وضعیت وارونه آن را به پرسش بگیریم که در چگونه جوامعی شاعران بزرگ، دانشمندان بلندمرتبه و هنرمندان نامور امکان زنده‌گی ندارند و با همه درد و اندوه ناگزیر می‌شوند آن را برای همیشه پشت سر بگذارند.

موج تقدیر و یادکرد نیک از استاد باختری در شبکه‌های اجتماعی، دل‌گرم‌کننده است، اما به هیچ روی کافی نیست. راه درست تقدیر از یل‌های گردن‌فراز پهنه ادب و فرهنگ این است که میراث‌شان زنده بماند، راه‌شان تداوم بیاید و کاخی را که آنان برافراشته‌اند، نسل‌های آینده برافراشته‌تر گردانند. برای این کار باید از تجربه دیگر سرزمین‌ها یاد گرفت و نهادهایی برای ماندگاری نام آنان ساخت، جوایزی را به نام آنان اختصاص داد و در نصاب تعلیمی برای آنان جایگاهی در نظر گرفت. تنها از این طریق خواهد بود که در پیش قلم، قامت شمشیر خم خواهد شد و در این سرزمین کتاب خواهد توانست تفنگ را از اورنگ به زیر کشد و فردایی صلح‌آمیز و تابناک به ارمان آورد. روان آن استاد فرزانه مینوی باد.

طالبان در هرات بر نشر خبرهای ترافیکی هم محدودیت وضع کردند



از پنج تا شش ماه به این سو تنها در روزهای عید رویدادهای ترافیکی به آنان از سوی شفاخانه حوزوی رایبه شده است و پس از آن، مسوولان در شفاخانه حوزوی این ولایت حاضر به تشریح این آمار نمی‌شوند.

طالبان پس از تسلط بر کشور محدودیت‌های زیادی را اطلاع‌رسانی و رسانه‌ها وضع کرده‌اند.

پیش از این طالبان در بادغیس به رسانه‌ها هشدار داده بودند که اجازه نشر رویدادهای خودکشی و قتل‌های هدفمند را ندارند.

۸ صبح، هرات: منابع صحی در شفاخانه حوزوی هرات و شماری از خبرنگاران می‌گویند که نمی‌توانند رویدادهای ترافیکی در این ولایت را رسانه‌ای کنند.

منابع روز جمعه، ۳۰ سرطان، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که رویدادهای ترافیکی در این ولایت به‌گونه بی‌پیشینه افزایش یافته و روزانه حداقل بین ۳۵ تا ۵۰ زخمی به شفاخانه حوزوی این ولایت منتقل می‌شوند.

یک منبع از شفاخانه حوزوی هرات، آمار رویدادهای ترافیکی را نگران‌کننده عنوان کرده و می‌گوید، در این اواخر روزانه تا پنج تن به‌دلیل رویدادهای ترافیکی به این شفاخانه منتقل می‌شوند.

در همین حال، این منبع نیز تأیید می‌کند که آنان اجازه ندارند این آمار را به رسانه‌ها شریک کنند. شماری از خبرنگاران در هرات نیز می‌گویند که

طالبان ورزشکاران رشته پروزش اندام در غزنی را لتوکوب کردند

۸ صبح، غزنی: منابع محلی در غزنی از لتوکوب چندین ورزشکار رشته پروزش اندام از سوی طالبان در این ولایت خبر می‌دهند. این ورزشکاران چاشت روز جمعه، ۲۹ سرطان، در حاشیه برگزاری مسابقات این رشته، از سوی طالبان لتوکوب شده‌اند.

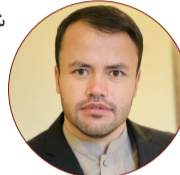
طالبان آنان را به‌دلیل آن‌چه «پوشش نامناسب» خواندند، مورد ضرب‌وشتم قرار داده‌اند. منبع تصریح می‌کند که این ورزشکاران هرچند قواعد طالبان را در طرز پوشش و نمایش‌شان در نظر گرفته بودند، با آن‌هم مورد توهین و تحقیر قرار گرفته‌اند.

گفتنی است که رقابت‌های ورزش پروزش اندام همه‌ساله به‌هدف شناسایی چهره‌های برتر این رشته ورزشی در این ولایت برگزار می‌شود.



نقض حقوق زنان؛

اتحادیه اروپا سه مقام ارشد طالبان را تحریم کرد



امین کاوه

شورای اتحادیه اروپا سه مقام ارشد طالبان را که در سیاست‌گذاری‌های «زن‌ستیزانه» این گروه نقش کلیدی دارند، در فهرست تحریم‌های خویش قرار داده است. نقض حقوق بشر، حذف زنان و دختران از زنده‌گی عمومی، گسترش تبعیض، جلوگیری از دسترسی به آموزش زنان و منع دسترسی به وکیل مدافع و حقوق برابر دختران و زنان، از دلایل اتحادیه اروپا برای تحریم این سه مقام طالبان است. عبدالحکیم حقانی، رییس دادگاه عالی، عبدالحکیم شرعی، سرپرست وزارت عدلیه و حبیب‌الله آغا، سرپرست معارف گروه طالبان، به دلیل تضاد با رژیم جهانی حقوق بشری، در فهرست اقدام‌های محدودکننده اتحادیه اروپا قرار گرفته‌اند. در همین حال، وزیر خارجه آلمان، طالبان را مسوول «وحشت‌ناک‌ترین جنایات حقوق بشری» خوانده است. طالبان اما می‌گویند که تحریم‌ها فایده‌ای ندارد و این اقدام را تجربه ناکام توصیف کرده‌اند. در این میان، فعالان حقوق زن خواستار محدودیت‌های گسترده‌تر علیه طالبان شده‌اند و باور دارند که فشارها بر این گروه باید عملی شود.

شورای اتحادیه اروپا سه مقام ارشد طالبان را مسوول خشونت مبتنی بر جنسیت دانسته است. این شورا، با وضع اقدام‌های محدودکننده، گفته است که این سه تن در اشکال مختلف خشونت جنسیتی، محروم کردن دختران و زنان از حق آموزش و تحصیل، دسترسی به عدالت و گسترش تبعیض علیه زنان و تقویت نابرابری بین زنان و مردان نقش داشته‌اند. این شورا گفته است که ۶۱ فرد و ۲۰ نهاد را در جهان، به دلیل نقض گسترده حقوق بشر و جنایت‌های جنگی، در فهرست اقدام‌های محدودکننده خود قرار داده است. براساس بیانیه این شورا، کسانی که در این فهرست قرار می‌گیرند، دارای‌های‌شان در معرض مسدود شدن

قرار می‌گیرد و نیز شهروندان و شرکت‌های اتحادیه اروپا از این‌که وجوه مالی در اختیار آن‌ها بگذرانند، منع می‌شوند. علاوه بر این، افراد حقیقی‌ای که مضمون ممنوعیت سفر هستند، از ورود یا عبورشان از قلمرو اتحادیه اروپا جلوگیری می‌شود.

در صفحه‌های ۳۲ و ۳۳ بیانیه رسمی شورای اتحادیه اروپا که در ژورنال رسمی این شورا منتشر شده، تحریم‌ها بر سه مقام ارشد طالبان توضیح داده شده است. در بیانیه آمده است که حبیب‌الله آغا، سرپرست وزارت معارف طالبان، حق آموزش زنان و دختران را در دوران متوسطه و دانشگاه‌ها به صورت سیستماتیک و گسترده نقض کرده است. او همچنان مسوول توقف فعالیت‌های مراکز آموزشی نهادهای غیردولتی خوانده شده است. به گفته این شورا، حبیب‌الله آغا سیاست‌های تبعیض‌آمیز و جنسیت‌زده طالبان را یک گام فراتر برده و در نقض حقوق بشر، به‌ویژه اعمال سرکوب جنسیتی در بخش آموزش، ادامه نقض حق اساسی دختران برای آموزش در دوره متوسطه و حذف آن‌ها از جامعه، شخصا مسوول است.

در بیانیه شورای اتحادیه اروپا، عبدالحکیم حقانی، رییس دادگاه عالی طالبان، نیز در فهرست «اقدامات محدودکننده» قرار گرفته است. براساس این بیانیه، حقانی به سرکوب جنسیتی، حذف زنان از نظام قضایی، وضع محدودیت سازمان‌یافته علیه زنان و نقض اصل برابری زنان و مردان، متهم شناخته شده است. شورای اتحادیه اروپا افزوده که او، نقش یک رهبر ایدئولوژیک را در میان طالبان ایفا کرده و با استفاده از رابطه مستقیمی که با هبت‌الله آخوندزاده دارد، از «نفوذ سیاسی» خود برای «شکل دادن به ایدئولوژی سرکوب جنسیتی زنان به‌ویژه در زمینه حذف سازمان‌دهی شده زنان و دختران از زنده‌گی عمومی در افغانستان» استفاده کرده است. شورای اتحادیه اروپا، حقانی را مسوول نقض جدی حقوق بشر به‌ویژه حق زنان برای دسترسی به عدالت و برابری، دانسته است. در این بیانیه تأکید شده که او با صدور دستورهای طردکننده، باعث حذف سیستماتیک

زنان و دختران در افغانستان شده است. در بیانیه ۶۹ صفحه‌ای شورای اتحادیه اروپا، آمده است که عبدالحکیم شرعی، سرپرست وزارت عدلیه طالبان، به دلیل نقض سیستماتیک معیارهای عدلی، در فهرست تحریم‌های این اتحادیه قرار گرفته است. به گفته شورای اتحادیه اروپا، او عملاً مانع صدور مجوز به وکلای مدافع زن شده است. براساس بیانیه، این مقام طالبان با تلاش‌های سازمان‌یافته به دنبال تغییر نظام قضایی علیه زنان است. این شورا گفته که سرپرست وزارت عدلیه طالبان با منع صدور مجوز وکالت برای زنان، حق زنان در بهره‌برداری از نمایندگی قانونی و قضایی را نقض و آن‌ها را از نظام قضایی این کشور حذف کرده است. شرعی متهم شده که با صدور دستور بازبینی نظام قضایی افغانستان، مانع اجرای قانون ممنوعیت خشونت علیه زنان شده است و با این سیاست‌ها «شخصا مسوول رها شدن زنان و دختران افغانستان در خلای قانونی و نقض جدی حقوق بشر در افغانستان به‌ویژه در زمینه برخورداری از عدالت و حق برابری» است.

این در حالی است که آنالنا بروک، وزیر خارجه آلمان، پس از نشست وزیران خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل، در صحبت با خبرنگاران، با اشاره به تحریم سه مقام ارشد طالبان، این گروه را مسوول «وحشت‌ناک‌ترین جنایات حقوق بشری» خواند.

با این حال، طالبان در واکنش به این اقدام، گفته‌اند که این کارها فایده‌ای ندارد و جهان نباید تجربه ناکام گذشته را تکرار کند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، با نشر توییتی نگاشته است که اضافه کردن مقام‌های این گروه در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا، هیچ فایده‌ای ندارد. در همین حال، شماری از فعالان حقوق زن می‌گویند که جامعه جهانی در تعامل با طالبان، حقوق زنان و ارزش‌های انسانی را «فدای مصلحت‌های سیاسی» خود کرده است. به گفته آنان، اتحادیه اروپا باید مقام‌های بیشتر طالبان را در فهرست تحریم‌های خویش قرار

سنگل زن

از افغانستان تا ایران؛

تحقیر در وطن و طرد شدن در غربت

ریحان حسینی

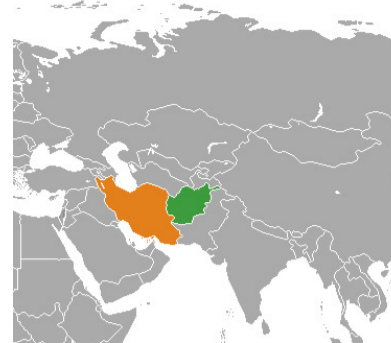


و محکم راهی خاکی شدم که علف‌زارهای سبز و چشم‌نوازش، تن زخمی صلصال و شمامه، کوه‌های قامت‌بلند پامیر و هندوکش آن، آمو و هری‌رود و تاریخ به قامت خمیده پیرمردان و پیرزنان همه عمرشان را برای رسیدن به صلح و آزادی به سر کردند، اما آرزوهای‌شان آرزو ماند. گذشته‌گان این آرزو را به خاک بردند و ما در زنده‌گی به امیدش پوسیدیم. پدر و مادرم به امید این‌که آینده بهتری برای فرزندان‌شان در کشور خودشان بسازند و از محرومیتی که در مهاجرت با آن دچار بودند رهایی یابند، به وطن برگشتند. در برگشت به وطن، به منطقه آبایی‌مان رفتیم. پدرم برای این‌که فرزندان‌ش درس بخوانند، در قلعه

فکرش را نمی‌کردم که روزی مجبور می‌شوم خانه را ترک بگویم. مهاجر شدن چیزی بود که حتا در خاطر نمی‌گنجید. اما انگار زمان مهاجرت و تکرار تاریخ رسیده بود و کارش نمی‌شد کرد. کشوری که حاکمان آن گرگ باشند، هرازگاهی گوسفندان طعمه گرگان می‌شوند تا گرگان به مقصدشان برسند. من، ریحان حسینی، که اولین گریه و لبخندم را در کشور همسایه کرده بودم، در چهارساله‌گی‌ام، وقتی تازه وطن ما جان گرفته بود و همه امیدوار به آبادی آن بودند، پدر و مادرم تصمیم گرفتند که به وطن برگردند و از آواره‌گی و مهاجرت خلاص شوند. آن زمان که کودکی بیش نبودم، با خوشحالی دست به سمت دیار اصلی‌ام دراز کردم و با گام‌های بلند

دانشگاه بودیم که دم‌بدم خبر سقوط ولایات را می‌شنیدم. آن روزها که بیشتر ولایات سقوط کرده بود و مزار و کابل هنوز آزاد بودند، امید داشتیم. با هم‌صنفی‌های دانشگاهم شرط‌بندی کرده بودم که طالب نمی‌توانند مزار و کابل و هرات را بگیرند. مزار را گرفتند و امید من سر جایش بود. می‌گفتم نمی‌توانند کابل را بگیرند. شبیه تمام دختران و پسران جوان کابل با دوستان دانشگاه رفتیم «یمی» و پیزا سفارش دادیم. عکس گرفتیم و در صفحه فیس‌بوکم نشر کردم. نوشتیم: زیر بیرق جمهوریت. انگشت‌هایم را به نشانه موفقیت بالا گرفته بودم. تا آن موقع فکر می‌کردم که طالبان نمی‌توانند کابل را بگیرند، ولی دقیقا فردای همان روز، قبل از آن‌که حکایه‌استوری من وقتش تمام شود، طالبان بر کابل هجوم آوردند. امشب، شب دوم است که به نگارش متن ادامه می‌دهم. دیشب آمدن پیهم اشک، اجازه نوشتن برایم نداد، پس امشب برگشتم نزد شما تا باهم حرف بزنیم، تا من روایت کنم و شما بخوانید و رنج‌های مشترک‌مان را ثبت و بازگو کنیم.

ادامه در صفحه ۷



نگاه مافیای مسوولان اقتصادی ایران به بازار افغانستان



زعفران افغانستان در دهه ۱۳۹۰ هجری شمسی رشد چشم‌گیر داشت و در بازار جهانی استقبال شد. مسوولان اتاق تجارت ایران در سال ۱۳۹۲، رشد زعفران افغانستان را توطئه غرب خوانده بودند.

منطقه به حالت نرمال تبلیغ کرد و هنوز در تلاش است از بی‌صاحبی کشور ما «بهره‌های» اقتصادی ببرد. رسانه‌های رسمی ایران همواره در مورد چه‌گونه‌گی تعامل با طالبان، سرمایه‌گذاری در بازار افغانستان و سهم‌گیری از معادن و آب کشور خبر و گزارش می‌نویسند، و وجود طالبان را به سود منافع اقتصادی حاکمان ایران عنوان می‌کنند. این سود، حاصل مشارکت در آبادی افغانستان نیست بلکه آنان انتظار دارند با استفاده از ناتوانی طالبان، در چور منابع کشور ما «پیش‌گام» شوند.

سرمایه‌گذاری‌های مشکوک و استخباراتی

در بالا به نقل از یکی از مسوولان دفتر نماینده خاص رییس جمهور ایران در امور افغانستان نوشتیم که سرمایه‌گذاران ایرانی «در افغانستان در ابعاد تجاری، امنیتی و قضایی مشغول به کارند». این سخن را جوانمرد قصاب گفته است. ابعاد تجاری «کار» سرمایه‌گذاران ایران حداقل عنوان قانونی و روشن دارد. اما سرمایه‌گذاری امنیتی و قضایی ایران در افغانستان تحت تسلط طالبان، مشکوک و غیرقانونی است. در خبری که خبرگزاری تسنیم نشر کرده، ابعاد امنیتی و قضایی سرمایه‌گذاری ایران توضیح داده نشده است. ولی گمان می‌رود که سرمایه‌گذاری امنیتی به قراردادهایی اشاره دارد که ایران با طالبان برای تربیت جنگ‌جویان این گروه بسته است. گفته می‌شود که ملا هبت‌الله یک لشکر چهار هزار نفری جدا از تشکیلات وزارت‌های داخله، دفاع و امنیت با الگوگیری از سپاه پاسداران ایران می‌سازد. احتمالاً آنچه جوانمرد قصاب سرمایه‌گذاری امنیتی خوانده، اشاره به چنین قراردادهایی دارد. اما باید پرسید که آیا طالبان در برابر این «خدمت» ایران پول می‌پردازند یا امتیازات دیگری برای دولت ایران قایل می‌شوند؟ گمان نمی‌رود که طالبان مبلغ قابل توجه نقدی از این بابت به ایران پرداخته بتوانند. در ماه‌های اخیر خبرهایی از گفت‌وگو در مورد سرمایه‌گذاری ایران در افغانستان نشر می‌شود. در این خبرها از سکتورهای انرژی، صحت، دارو، معادن و جاده نام برده می‌شود. ظاهراً ایران در بدل ارایه خدمات استخباراتی، آموزش‌های نظامی و حمایت‌های دیپلماتیک از طالبان قراردادهای سرمایه‌گذاری می‌خواهد.

از «کار» سرمایه‌گذاری ایران در بخش قضایی در افغانستان نیز اطلاعات چندانی در دست نیست. احتمالاً کارشناسان قضایی ایران تجارب خود را در سرکوب مخالفان، اعمال محدودیت‌های «شرعی» و تشکیل سیستم قضایی جبار به طالبان انتقال می‌دهند و در بدل آن انتظار دارند امتیازات سیاسی و اقتصادی دریافت کنند.

افراد نزدیک به ایران در وزارت‌خانه‌های طالبان در کابل و نیز در دفتر ملا هبت‌الله در قندهار مشغول «کار» هستند. اما این کارها از نوع تجارت، سرمایه‌گذاری و سیاست قانونی نیست بلکه مافیابازی و چورکان است. دوام وضعیت غیرقانونی و عدم رسمیت اداره طالبان برای این فعالیت‌های مافیایی فرصت شمرده می‌شود و همسایه‌گان افغانستان از جمله زورمندان اقتصادی و استخباراتی ایران آستین چور پر زده‌اند. آیا طالبان آن قدر دوام خواهند کرد که «سرمایه‌گذاران» تجاری، امنیتی و قضایی ایران سود کافی به‌دست آورند؟

مشغول تمویل و حمایت طالبان بود و این گروه در غرب کشور بر بندهای آب عملیات نظامی انجام می‌داد، سرمایه‌گذاران را اختطاف و جاده‌ها را تخریب می‌کرد، جز تعدادی کارخانه نیمه‌جان از صنایع تولیدی هرات چیزی باقی نماند. از ده‌ها شرکت تولیدی در بخش باتری حتا یکی هم فعال باقی نماند. پارسال در ماه عقرب، دوباره خبر ایجاد اولین فابریکه تولید باتری با دوازده میلیون دالر سرمایه‌گذاری نشر شد. ایجاد آن فابریکه نیز در خبرهای صنعتی ایران انعکاس یافت. احتمال دارد صنعت کاران هرات با توجه به شکست‌های گذشته به رقیبان ایرانی تسلیم شده و این بار در سازش و «همکاری» با مافیای ایرانی وارد این عرصه شده باشند.

ب) تولید زعفران افغانستان در دهه ۱۳۹۰ رشد چشم‌گیر داشت. برای فروش آن بازاریابی نسبتاً خوب انجام شده بود و شرکت‌های بسته‌بندی و توزیع زعفران نیز رشد کردند. چند سال پیش زعفران افغانستان در بازار اروپا مقام اول را گرفت و پسان‌ها نام زعفران افغانستان در بازار جهان مشهور شده بود. این توسعه، واکنش رقیبان ایرانی را در پی داشت. اما از آن جایی که بازار زعفران خارج از افغانستان بود و دولت ایران نمی‌توانست با قیمت‌شکنی واکنش نشان دهد، و در عین حال تولید و پروسس زعفران نیازمند سرمایه‌گذاری کلان و ماشین‌آلات پیچیده نبود، مافیای ایرانی در تخریب موفق نشد. اما تبلیغات و اوایلای بسیار راه انداختند. یکی از مشهورترین واکنش‌های رسمی ایران در برابر رشد تولید زعفران به‌تاریخ ۲۸ میزان ۱۳۹۲ در رسانه‌ها ثبت شد. در آن روز غلام‌حسین شافعی، نایب رییس اتاق تجارت، صنایع، معادن و زراعت ایران، به خبرنگاران گفت که محصول زعفران ایران در خطر است و باید اقدامی برای نجات آن انجام شود.

بازار زعفران گنجایش رقابت سالم ایران و افغانستان را دارد و ورود افغانستان به آن بازار آن‌طوری که مسوولان اتاق تجارت ایران هشدار داده بودند، خطر ناپدیدکننده نبود. اما نگاه انحصاری و مافیایی حاکم بر اقتصاد ایران، هر گونه رشد را در همسایه‌گی‌اش خطر می‌بیند و به‌جای ارتقای سطح رقابت سالم، در پی اقدام حذف‌گرانه و تخریبی می‌شود. غلام‌حسین شافعی شکایت کرده بود که تولید زعفران افغانستان که در سال ۲۰۰۴ تنها ۱۶ هکتار بود، در سال ۲۰۱۱ به ۶۵۰ هکتار افزایش یافت. او این افزایش را توطئه غرب در برابر ایران خوانده بود. او نالیده بود که به کمک کشورهای غربی و برای آسیب‌زدن به ایران، میزان برداشت زعفران در افغانستان نیز دو تا سه برابر ایران است. او گفته بود که «متوسط میزان برداشت از واحد سطح (در هکتار) در این کشور ۱۰ کیلوگرام زعفران است و در کشور ما ۵ و ۳ دهم کیلوگرام است.» به گفته آقای شافعی، زعفران افغانستان به‌دلیل بی‌توجهی‌های ایران در سال ۲۰۱۳ بهترین زعفران دنیا معرفی شد و جایزه طلایی کیفیت را برده بود.

در تخریب روند غیرطالبانی، تضعیف اقتصاد، گسترش جنگ و در نهایت فروپاشی نظام در افغانستان عوامل زیادی نقش داشت. نقش سیاست‌های تخریبی ایران و پاکستان اما در میان آن عوامل چنان برجسته بود که برگشت طالبان در تهران و اسلام‌آباد جشن گرفته شد. دولت ایران آن عقب‌گرد افغانستان را برگشت

از سرمایه‌گذاران ایرانی است که در افغانستان در ابعاد تجاری، امنیتی و قضایی مشغول به کار هستند.» در خبر آمده است که در آن جلسه، نماینده‌گان همه دستگاه‌های مسوول جمهوری اسلامی ایران حضور داشتند.

تخریب و کارشکنی، به‌جای همکاری اقتصادی

نه سرمایه‌گذاری در کشور همسایه کار نادرست است و نه جلب سرمایه‌گذاران همسایه. هرچه روابط تجاری و سرمایه‌گذاری در یک منطقه توسعه یابد، به‌سود همه شهروندان است. اعمار جاده و راه آهن، صدور انرژی، انتقال تجارب و سرمایه‌گذاری برای ارتقای ظرفیت‌های اقتصادی و بشری کشورهای همسایه به‌سود توسعه دوام‌دار و ثبات منطقه‌ای است. اما حاکمان ایران همان‌طوری که در داخل کشور خود متمم به انحصار، زورگویی، چور و تخریبند، در افغانستان نیز نمی‌توان از آنان انتظار کار سازنده داشت. تجربه بیست سال دوره غیرطالبانی و نزدیک به دو سال اخیر نشان داده است که دولت‌مردان ایران نگاه مافیایی به بازار افغانستان دارند. به چند نمونه از تخریب کاری‌ها و کارشکنی‌های مافیای ایرانی در افغانستان اشاره می‌کنیم:

الف) دمپینگ یا قیمت‌شکنی ایران از موانع اصلی رشد صنایع در بیش از دو دهه اخیر در هرات و برخی از ولایات دیگر بوده است. در اواخر دهه ۱۳۸۰ هجری شمسی، هرات شاهد رشد سرمایه‌گذاری بود و صدها فابریکه تولیدی در آن ولایت ایجاد شده بود. یکی از عرصه‌های مشهور سرمایه‌گذاری در هرات، تولید باتری بود. اما شرکت‌های ایرانی با رهبری و حمایت دولت آن کشور، از جمله سفارت ایران در کابل، در عرض چند سال تقریباً همه آن شرکت‌ها را از پا درآوردند. آنان محصولات تولیدی افغانستان را نشانی کرده و کالاهای مشابه ایرانی را به قیمت نزدیک به هزینه تولید آن‌ها در افغانستان، صادر می‌کردند و این کار را تا زمانی ادامه می‌دادند که شرکت‌های تازه تاسیس دست از رقابت برداشته و ورشکست می‌شدند. کل صنعت تولید باتری در هرات در عرض چند سال ورشکست شد. در ماه میزان ۱۳۹۸ اتاق تجارت و صنایع هرات اعلام کرد که نزدیک به ۲۰۰ کارخانه تولیدی در آن شهر، به‌دلیل رقابت ناسالم و دمپینگ شرکت‌های ایرانی ورشکست شده‌اند. در یک گزارش خبرگزاری افق به‌تاریخ ۲۳ میزان ۱۳۹۸ به نقل از زلمی سعیدی، سرمایه‌گذار هراتی، آمده است: «سیاست دمپینگ کشورهای همسایه، صنعت‌گران را سخت متضرر ساخته [است]. به‌خاطری که سه سال قبل، بیش از ۵۰۰ کارخانه تولیدی در شهرک صنعتی فعال بود، اما حالا ۳۰۰ کارخانه تولیدی فعال است. اگر جلو دمپینگ گرفته نشود، در آینده نه‌چندان دور، کارخانه‌های دیگری نیز بسته می‌شود.»



در شهر هرات، صدها شرکت تولیدی در یک‌ونیم دهه اخیر ورشکست شده‌اند. رقابت‌های ناسالم شرکت‌های ایرانی و سیاست قیمت‌شکنی (دمپینگ) دولت آن کشور، از عوامل اصلی ناکامی آن سرمایه‌گذاری‌ها خوانده شده است.

در چند سال آخر دوره جمهوریت که دولت ایران

مصد پاینده

از ناراضی‌ترین مردم ایران نسبت به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مسوولان جمهوری اسلامی و رانت‌خواری و مافیابازی حاکمان آن کشور بسیار می‌شنویم و می‌خوانیم. اما از نقش‌های مخرب آنان در افغانستان کم‌تر سخن گفته شده است. دولت ایران در بیست سال دوره جمهوری اسلامی در کشور ما در ظاهر روابط نیک با حاکمان افغانستان داشت و در گفتار به انتخاب و خواست ملت ما احترام می‌کردند، و گاهی از اهمیت رشد اقتصادی و آبادی افغانستان، توسعه روابط تجاری و همکاری‌های منطقه‌ای سخن می‌گفتند. دولت ایران در این سطح و برای حفظ ظاهر، برخی پروژه‌های عمرانی را نیز تمویل می‌کرد. همکاری در اعمار خط آهن خواف - هرات شاید مهم‌ترین آن‌ها باشد که چند روز پیش برای بار دوم افتتاح شد.

دولت ایران در سال‌های اخیر تسهیلاتی را برای سفر و سرمایه‌گذاری متشبثان افغان فراهم کرده است. اکنون تعداد قابل توجه تاجران و سرمایه‌گذاران متوسط و کوچک افغانستان مشغول کار و تجارت در ایرانند. دفتر نماینده ویژه رییس جمهور ایران در امور افغانستان به رسانه‌ها گفته است که تنها در چهار ماه اول سال جاری خورشیدی، افغان‌ها به ارزش ۱۵۰ میلیون دالر در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در شرایطی که سرمایه‌گذاری‌ها در داخل کشور متوقف شده و سیر نزولی را می‌پیماید، بیکاری بیداد می‌کند و سازمان‌های امداد‌رسان گزارش‌های تیره‌وتر از گرسنگی مردم نشر می‌کنند، خروج این مبلغ در چهار ماه از افغانستان نگران‌کننده است.

به نقل از خبرگزاری تسنیم، محمدمهدی جوانمرد قصاب، مشاور نماینده خاص رییس جمهور آن کشور در امور افغانستان، گفته است که سرمایه‌گذاری افغان‌ها در ایران کوچک «اما از نظر تعداد قابل توجه است». به نظر می‌رسد این سرمایه‌گذاری‌ها را کسانی کرده‌اند که برای گریز از محدودیت‌های طالبانی خانه، دکان و کارگاه‌های کوچک خود را فروخته و به ایران کوچیده و در آن کشور خانه خریده، کارگاه ساخته و تشبثات کوچک راه انداخته‌اند. نقش تشبثات کوچک و متوسط در ایجاد جای کار و افزایش رفاه بسیار مهم است؛ ازاین‌رو، مسوولان ایرانی از فرار متشبثان و خانواده‌های صاحب سرمایه کوچک به ایران استقبال می‌کنند و برای جلب بیش‌تر این گروه از مردم ما تلاش می‌ورزند.

آقای قصاب سال‌ها اتشه تجاری ایران در کابل بوده و در میان آن عده تاجران افغان که از ایران کالا وارد می‌کنند، نام آشناست. او در ایجاد تماس با جامعه تجاری افغانستان و ارایه معلومات در مورد چندوچون بازار کشور نقش داشته است. او در جلسه‌ای که روز چهارشنبه، ۲۱ سرطان، در دفتر نماینده‌گی ویژه رییس جمهور ایران در امور افغانستان برگزار شده بود، گفته است: «هدف، تسهیل جذب سرمایه‌گذاران افغان در ایران به همراه رفع موانع آن‌ها و همچنین حمایت



جوانمرد قصاب، اتشه تجاری پیشین ایران در کابل و مشاور کنونی نماینده خاص رییس جمهور ایران در امور افغانستان، گفته است که در چهار ماه اول سال جاری افغان‌ها ۱۵۰ میلیون دالر در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند.



کمرنگ شدن حضور آمریکا در خاور میانه، بحث نسبتاً داغی در رسانه‌هاست. چیزی که به این بحث بیشتر دامن می‌زند، اقتصاد رو به رشد چین و تثبیدن این کشور در میدان خاور میانه است. برای آن که بدانیم آمریکا از خاور میانه می‌رود یا نه، بایستی به اهداف آن کشور در این منطقه نظر افکند. رفتن آمریکا از خاور میانه بسته به برآورده شدن اهدافش است. تضمین بقای اسرائیل و تقویت آن، مهار کمونیسم (در گذشته)، تضمین تداوم جریان آزاد نفت از خلیج فارس به کشورهای صنعتی با بهای ارزان، تامین صلح با تاکید بر منازعه فلسطین و اسرائیل، جلوگیری از دست‌یابی دولت‌ها به سلاح هسته‌ای، گسترش دموکراسی و حقوق بشر، مبارزه علیه افراط‌گرایی، مهار دولت‌های سرکش (عراق عصر صدام، سوریه و ایران) و... اهدافی است که آمریکا در خاور میانه در گذشته و حال دنبال کرده و می‌کند.

اهداف نام‌برده در سیاست خارجی آمریکا در خاور میانه اهمیت یک‌سان نه، بل سلسله‌مراتبی دارند. برخی اهداف با گذشت زمان اهمیت خود را از دست داده‌اند و برخی نه. برای نمونه، روزگاری مهار شوروی برای آمریکا بزرگ‌ترین مأموریت بود، اما حالا نقش پای روسیه (میراث‌بر شوروی) در خاور میانه برای آمریکا چندان نگرانی نمی‌آفریند. در این نوشته به مهم‌ترین اهداف آمریکا به ترتیب اهمیت پرداخته می‌شود و سپس نتیجه‌گیری می‌شود که این اهداف به چه میزان برآورده شده است.

۱- اسرائیل

اسرائیل متحد کلیدی و راهبردی آمریکا در خاور میانه است. پس از جنگ جهانی دوم، هیچ کشوری در خاور میانه نتوانسته به پیمان اسرائیل حمایت آمریکا را با خود داشته باشد. اهمیت اسرائیل برای آمریکا در زمان جنگ سرد خیلی برجسته بود؛ چون با استفاده از اسرائیل، ترکیه، عربستان و ایران عصر پهلوی، می‌خواست شوروی و جنبش پان‌عربیسم را مهار کند. آمریکا در جنگ میان اعراب و اسرائیل، جانب اسرائیل را گرفت و اعراب را آزرده‌خاطر ساخت. در جنگ ۱۹۴۸ بی‌طرفی اختیار کرد و در جنگ ۱۹۵۶ که فرانسه، بریتانیا و اسرائیل به مصر حمله کردند، این سه مهاجم را به عقب‌نشینی وادار کرد؛ اقدامی که به محبوبیت آمریکا در میان اعراب افزود. اعراب غرق این خوش‌بینی شدند که آمریکا نسبت به بریتانیا در خاور میانه می‌تواند خوب‌تر و منصفانه‌تر عمل کند.

مهم‌ترین جنگ میان اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ بود که به جنگ شش‌روزه معروف است. آمریکا در آن جنگ عملاً به حمایت از اسرائیل وارد میدان شد. گفته می‌شود که قبل بر آن آمریکا سالانه ۶۳ میلیون دلار به اسرائیل کمک می‌کرد، ولی در هنگام جنگ کمکش به ۱۰۲ میلیون دلار افزایش یافت. جنگ مهم دیگری که میان اعراب و اسرائیل رخ داد، در سال ۱۹۷۳ بود. آمریکا در آن جنگ به حمایت از اسرائیل علیه مصر و سوریه شتافت و موفقیت‌های اولیه این دو کشور را به ناکامی کشاند. کمک آمریکا از اسرائیل در آن جنگ، از ۱۰۲ میلیون دلار به ۶۳۴ میلیون دلار افزایش پیدا

امریکا برای فعلاً قصد رفتن از خاور میانه را ندارد. امریکا در خصوص بقای اسرائیل نگرانی ندارد؛ چون قدرت هسته‌ای و صنعتی است و توان دفاع از خود را دارد. همین‌طور نفت خلیج فارس اهمیت پیشین خود را برای امریکا از دست داده است. امریکا یکی از تولیدکننده‌گان بزرگ نفت در دنیاست و براساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی، سطح نیازمندی این کشور به وارد کردن نفت روزتاروز کاهش می‌یابد.

کرد. آمریکا در حمله اسرائیل بر جنوب لبنان در سال ۱۹۸۲ همچنان به‌مثابه حامی این کشور ظاهر شد. همین‌طور از حمله اسرائیل در جولای ۲۰۰۶ بر لبنان حمایت کرد که به جنگ ۳۳ روزه معروف است. در یک سو اسرائیل قرار داشت که از سوی آمریکا و در سوی دیگر حزب‌الله که از سوی دولت ایران حمایت می‌شد. اسرائیل به رغم آن که حمایت همه‌جانبه آمریکا را داشت، آن‌گونه که انتظار می‌رفت نتوانست موفقیت حاصل کند. آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌مثابه حامی اسرائیل عمل کرده است. گفته می‌شود که بین سال‌های ۱۹۷۲-۲۰۰۶، ۴۲ قطع‌نامه شورای امنیت در پیوند به محکومیت اسرائیل را وتو کرده است.

انتظار این بود که با فروپاشی شوروی و پان‌عربیسم، اسرائیل در حاشیه سیاست خارجی آمریکا قرار گیرد، اما نه‌تنها چنین نشد، که اهمیت بیشتری یافت. مهم‌ترین عامل آن، حضور لابی‌گران قوی در امریکا است که دستگاه سیاست خارجی این کشور را در مسیر حمایت از اسرائیل سوق می‌دهند.

۲- نفت

امریکا به رغم آن که یکی از تولیدکننده‌گان بزرگ نفت در دنیا به حساب می‌رود، به نفت خلیج فارس نیاز دارد. یکی از نگرانی‌های آمریکا در عصر جنگ سرد، این بود که شوروی بر نفت این منطقه تسلط پیدا کند. امریکا می‌خواهد تولید نفت در این حوزه کاهش پیدا نکند و همچنان هیچ کشوری حتماً متحدهانش نتواند بر نفت این حوزه تسلط پیدا کند. امریکا در عصر جیمی کارتر، خلیج فارس را جزو منافع حیاتی‌اش اعلام کرده بود. منافع حیاتی یعنی این که ممکن است آمریکا برای حفظ و حصول آن حتماً وارد جنگ نامتعارف شود. برای نمونه، برژینسکی، وزیر دفاع کارتر، اهمیت خلیج فارس را برتر از برلین، جاپان و کوریای جنوبی خوانده بود که به باور او، امریکا اگر این کشورها را از دست می‌داد، ممکن بود با تلاش بیشتر از نو به دست آورد، ولی از دست رفتن خلیج فارس غیرقابل‌جبران بود. اهمیت نفت برای آمریکا زمانی برجسته می‌شود

که به جنگ دوم خلیج توجه کنیم. امریکا با مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد ایتلاف بین‌المللی تشکیل داد و برای اخراج عراق از کویت وارد عمل شد. مهم‌ترین هدفش این بود که عراق بر جریان نفت خلیج فارس تسلط پیدا نکند. امریکا طعم تلخ کاهش تولید نفت خلیج فارس را چشیده است. عربستان سعودی در واکنش به حمایت آمریکا از اسرائیل در جنگ ۱۹۷۳، این کشور را تحریم نفتی کرد و آسیب اقتصادی فراوانی وارد آورد: ۴۸.۵ میلیارد دلار. برای همین بود که آمریکا در برابر تصمیم سازمان اوپک مبنی بر کاهش تولید نفت از ماه می تا پایان ۲۰۲۳، واکنش جدی نشان داد و آن را «اقدام غیرسازنده» خواند.

۳- صلح

یکی از اولویت‌های آمریکا در خاور میانه، تامین صلح بوده است. دست‌یافتن آمریکا به دو هدف قبلی، منوط به تامین صلح در خاور میانه است. زمانی که صلح در خاور میانه برقرار باشد، خطری برای اسرائیل متصور نخواهد بود و همچنان برای جریان آزاد نفت به سمت کشورهای صنعتی مزاحمت خلق نخواهد شد. امریکا به رغم آن که در جنگ میان اعراب و اسرائیل جانب این کشور را داشته است، با آن هم تلاش‌های زیادی برای اقامه صلح انجام داده که کمتر کامیابی به دنبال داشته است. در ذیل به چند نمونه از تلاش‌های آمریکا در زمینه پرداخته می‌شود:

۳-۱ صلح راجرز: پس از جنگ ۱۹۶۷ آمریکا بر آن شد تا میان مصر، اردن و اسرائیل صلح برقرار کند. ویلیام راجرز، وزیر خارجه آمریکا، طرح صلحی ارایه داد که به «صلح راجرز» معروف شد. آن طرح در روشنی مفاد قطع‌نامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد ترتیب شده بود که ضمن دعوت از طرفین به پذیرش آتش‌بس ۹۰ روزه، اسرائیل را ملزم به عقب‌نشینی در مرزهای قبل از جنگ ۱۹۶۷ می‌کرد. طرفین چیزی را که پذیرفتند، آتش‌بس بود و به بقیه مفاد آن طرح عمل نکردند و به ناکامی منجر شد.

۳-۲ صلح کمپ دیوید: شاید موفق‌ترین نمونه از تلاش‌های آمریکا، امضای پیمان «صلح کمپ دیوید» میان مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹ باشد. براساس مفاد این پیمان، صحرای سینا که در کنترل اسرائیل بود، به مصر پس داده شد. تلاش آمریکا به خاطری موفق شد که انور سادات، رئیس‌جمهور مصر، ضمن داشتن تمایل به کاهش تنش با اسرائیل، می‌خواست مصر را از وابستگی به شوروی نجات دهد.

۳-۳ کنفرانس مادرید: گام کلان دیگری که آمریکا به رهبری بوش پدر برداشت، برگزاری کنفرانس در شهر مادرید اسپانیا در اکتبر ۱۹۹۱ با حضور اسرائیل و نماینده‌گان کشورهای سوریه، لبنان و اردن بود. برای بار اول بود که نماینده‌گان کشورهای عربی با نماینده‌گان اسرائیل دور یک میز می‌نشستند. قبل از آن، تنها مصر چنین کرده بود. تنها کشور اسلامی که با کنفرانس مادرید مخالفت کرد، ایران بود و آن را معامله خواند. آن کنفرانس نتیجه‌ای به دنبال نداشت، جز روبرو نشستن نماینده‌گان کشورهای عربی با اسرائیل.

۳-۴ صلح اسلو: روند صلح اسلو با تلاش‌های بیل

کلینتون، رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا، به راه افتاد. ناروی میزبان نماینده‌گان سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و نماینده‌گان اسرائیل بود. طرفین پس از چند دور مذاکره در سپتامبر ۱۹۹۳ به امضای پیمانی موفق شدند که براساس آن، اداره خودگردان فلسطین ایجاد شد و طرفین موجودیت یک‌دیگر را به رسمیت شناختند.

۳-۵ پیمان ابراهیم: این پیمان میان اسرائیل، امارات متحده عربی و بحرین با تلاش‌های دونالد ترمپ در اگست ۲۰۲۰ به امضا رسید. هدف آن عادی‌سازی رابطه امارات و بحرین با اسرائیل بود. مراکش و سودان نیز در روشنی مفاد آن به عادی‌سازی رابطه با اسرائیل رضایت دادند.

ظاهراً هدف آمریکا این بوده است که کشور مستقلی به نام فلسطین در کنار اسرائیل ایجاد شود، اما تا این دم به این هدف نایل نشده است. مهم‌ترین عامل آن، عدم رضایت اسرائیل است. گفته می‌شود که آمریکا به اسرائیل در خصوص تن‌دهی به طرح ایجاد دو کشور فشار لازم وارد نکرده است.

۴- سلاح هسته‌ای

بازداشتن کشورهای خاور میانه به استثنای اسرائیل از دست‌یافتن به سلاح هسته‌ای، یکی از اهداف آمریکا در این منطقه است. اگر اسرائیل در خاور میانه نمی‌بود، امریکا بازهم ایران را از دست‌یافتن به سلاح هسته‌ای باز می‌داشت. پرونده هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳ افشا شد. پس از آن که محمود احمدی‌نژاد در ایران روی کار آمد، فضا ملتهب‌تر شد؛ چون موضع تندی در برای آمریکا و اسرائیل اختیار کرد. پس از آن بود که پرونده هسته‌ای ایران وارد شورای امنیت سازمان ملل متحد شد و تحریم‌ها علیه ایران جنبه بین‌المللی پیدا کرد. رویه بوش در خصوص برنامه هسته‌ای ایران، سخت‌گیرانه بود. او می‌گفت که ایران در هیچ شرایطی حق ندارد به غنی‌سازی یورانیوم دست زند و هیچ مذاکره‌ای هم در این خصوص صورت نگیرد؛ اما روش او با ما ملایم‌تر و آمیخته با مدارا بود. یکی از عوامل مهم در زمینه، تیپ شخصیتی او بود که به جنگ کمتر بها می‌داد. در زمان او بود که در سال ۲۰۱۵ توافق برجام به امضا رسید. دونالد ترمپ که روی کار آمد، رویه سخت‌گیرانه‌تر از بوش در پیش گرفت و توافق برجام را که حاصل سال‌ها مذاکره بود، به‌گونه یک‌جانبه فاقد اثر ساخت. جو بایدن که حالا در قدرت است، به نحوی می‌کوشد راه رفته او با ما را ببیماید، ولی موفقیتی نداشته است.

برنامه هسته‌ای ایران به معضلی بزرگ و درازدامن در خاور میانه تبدیل شده است. امریکا خود را موظف به حل آن می‌داند، اما اسرائیل برای امریکا نسخه جنگ می‌پیچد و جمهوری خواهان نیز به اعمال فشار بیشتر بر ایران کم‌علاقه نیستند.

جمع‌بندی

امریکا برای فعلاً قصد رفتن از خاور میانه را ندارد؛ چون اهدافی که در فوق شرح آن رفت، به‌گونه کامل برآورده نشده است. امریکا در خصوص بقای اسرائیل نگرانی ندارد؛ چون قدرت هسته‌ای و صنعتی است و توان دفاع از خود را دارد. همین‌طور نفت خلیج فارس اهمیت پیشین خود را برای آمریکا از دست داده است. امریکا یکی از تولیدکننده‌گان بزرگ نفت در دنیاست و براساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی، سطح نیازمندی این کشور به وارد کردن نفت روزتاروز کاهش می‌یابد. همچنان تولیدکننده‌گان نفت در خلیج فارس نمی‌توانند همیشه از نفت به‌مثابه ابزار فشار علیه غرب استفاده کنند؛ چون از یک سو این کشورها با غرب مرادده تجاری دارند و از سوی دیگر ممکن است کشورهای غربی مجبور به کشف بدیل شوند که در این صورت نفت خلیج فارس اهمیت خود را از دست خواهد داد. دو هدف آمریکا برآورده‌ناشده مانده است: تامین صلح و نابودی سلاح هسته‌ای. از نظر آمریکا فقدان صلح در خاور میانه، امنیت اسرائیل را به خطر می‌اندازد. صلح در خاور میانه در گرو صلح میان فلسطین و اسرائیل است. امریکا توانسته است رابطه برخی کشورهای عربی با اسرائیل را عادی‌سازی کند، ولی در عادی‌سازی رابطه عربستان با اسرائیل و همین‌طور پایان دادن به منازعه فلسطین و اسرائیل موفق نبوده است. برنامه اتمی ایران نیز به گرهی کور تبدیل شده است که در فقدان حضور آمریکا در خاور میانه اگر ایران برنامه اتمی‌اش را به پایه اکمال برساند، نگرانی اسرائیل دوچندان خواهد شد. همچنان غیبت آمریکا در خاور میانه لزوماً حضور پررنگ چین را در پی خواهد داشت که این به زیان آمریکا خواهد بود.

حضور فعال تی تی پی در افغانستان و امتناع طالبان

علی سجاد مولایی



سربه کف مہمند، فرمانده ارشد جماعت الاحرار و عضو تحریک طالبان پاکستان. منبع: APP

۲۰۱۳ ایجاد کرد و از تحریک طالبان پاکستان جدا شد. او در ۲۰۱۸ زمانی که نورولی محسود، رهبر تی تی پی شد، دوباره به این گروه بیعت کرد. خراسانی در ۸ اگست ۲۰۲۲ زمانی که با مفتی حسن سواتی و حافظ دولت خان اورکزایی به سمت ولسوالی برمیل در پکتیکا می رفت، موترشان با ماین کنار جاده برخورد کرد و کشته شدند. او از مخالفان گفت و گوهایی صلح میان دولت پاکستان و تی تی پی بود.

۲- مفتی خالد بلتی مشهور به محمد خراسانی خالد بلتی از ناحیه بلتستان منطقه گلگت پاکستان بود که از سال ۲۰۱۴ به جای شاهدالله شاهد به حیث سخنگوی تحریک طالبان پاکستان کار کرده بود. او در ۱۱ جنوری ۲۰۲۲ در ولایت ننگرهار توسط افراد مسلح ناشناس کشته شد. براساس بیانیه تحریک طالبان پاکستان، مفتی خالد در زمان کشته شدن، در این گروه پست رسمی نداشت.

در روزهای اخیر وضعیت امنیتی پاکستان دوباره وخیم شده و حملات تروریستی افزایش یافته است. در جدی ترین رویدادی که هفته پیش در منطقه ژوب ایالت بلوچستان رخ داد، ۹ نظامی پاکستان کشته شدند که بالاترین آمار تلفات نظامی در سال های اخیر بوده است. به صورت کلی امنیت پاکستان بعد از ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ دگرگون شده است و علت اصلی این دگرگونی، تغییرات سیاسی و امنیتی در افغانستان است. با فروپاشی حکومت جمهوری در افغانستان و روی کار آمدن دوباره طالبان بعد از ۲۰ سال ستیزه جویی، افغانستان دوباره به بهشت امنی برای گروه های بنیادگرای منطقه و جهان مبدل شد. تحریک طالبان پاکستان (تی تی پی) در یک دهه اخیر با طالبان شانه به شانه جنگیده بود و طالبان افغان در این سال ها مهمان این گروه بودند. اما با قدرت گیری طالبان حالا این گروه میزبان است و تحریک طالبان پاکستان با داشتن پایگاه های امن در ولایت های جنوبی و شرقی افغانستان نسبت به قبل قوی تر شده و حالا امکانات به روزتر نیز در اختیار دارد. این گروه در حال حاضر در عملیات هایش از سلاح های پیشرفته امریکایی استفاده می کند. این موضوع سبب گردیده که تلفات نیروهای پاکستانی بیش تر از پیش شود. استراتژیست های پاکستانی تصور می کردند که با روی کار آمدن طالبان، امنیت کشورشان بهتر خواهد شد؛ اما حالا با گذشت هر روز معضل امنیتی پاکستان عمیق تر و پیچیده تر می شود. هفته گذشته روزنامه دان در سرمقاله اش نوشته بود که «دیگر صبر ندارند». این مقاله به وضعیت بد امنیتی در پاکستان اشاره داشت که عامل اصلی آن در این سوی خط دیورند حضور دارد. استراتژیست ها و نظامیان پاکستان معتقد هستند که طالبان به تی تی پی پناه داده اند و این گروه در خاک افغانستان حضور فعال دارد. زمانی که در هفته گذشته خشونت ها دوباره در پاکستان تشدید شد، این کشور طالبان را متهم به پناه دادن به تحریک طالبان پاکستان کرد. در جواب ذبیح الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان، گفت که تی تی پی در افغانستان حضور ندارد و اگر پاکستانی ها مدارکی در این مورد دارند، نشان دهند. در تازه ترین مورد تنش های لفظی، خواجه محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان، گفته است که آنان از روی کار آمدن طالبان خوشحال شدند؛ اما نمی دانستند که این گروه به دشمنان شان پناه خواهد داد.

در این مقاله نگاه گذرایی به حضور افراد دانه درشت تی تی پی و تروریست های بین المللی در خاک افغانستان بعد از قدرت گیری دوباره طالبان می اندازیم.

۱- ایمن الظواهری

به تاریخ ۳۱ جولای سال ۲۰۲۲ ایمن الظواهری، فرد شماره یک القاعده که از سال ۲۰۱۱ بعد از کشته شدن اسامه بن لادن، بنیان گذار القاعده، رهبری این شبکه را بر دوش داشت، در شهر کابل کشته شد. ایمن الظواهری از سال ۲۰۱۱ در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان پنهان بود، تا این که توسط هوپیمای بی سرنشین ایالات متحده در صبح گاه ۳۱ جولای ۲۰۲۲ در وزیراکبر خان کابل کشته شد. کشته شدن ایمن الظواهری بار دیگر این موضوع را ثابت کرد که گروه طالبان رابطه اش با القاعده را قطع نکرده و این رابطه استراتژیک میان دو گروه بنیادگرا همچنان ادامه دارد.



ایمن الظواهری در کنار اسامه بن لادن. منبع: رویترز



مفتی خالد بلتی. منبع: گیتی

۳- آفتاب الله مشهور به یاسر

آفتاب الله یکی فرماندهان ارشد تحریک طالبان پاکستان است که بعد از سقوط حکومت چند بار در افغانستان دیده شده است. عکس هایی از او در صفحات مجازی نشر شده که نشان می دهد با پرواز ویژه کام ایر به کابل سفر کرده است و در جریان روزهای عید با سرپرست وزارت داخله گروه طالبان دیدار کرده است. او اصالتاً از وزیرستان شمالی پاکستان و عضو گروه فرعی صادق نور است. رسانه های پاکستانی او را مسوول حملات و عملیات ها در وزیرستان شمالی می دانند.



آفتاب الله در داخل هواپیمای کام ایر. منبع: شبکه های اجتماعی

۴- عبدالرشید مشهور به عقاب باجوری

عبدالرشید، رییس استخبارات تحریک طالبان پاکستان، بود که به تاریخ ۸ اگست ۲۰۲۲ در ولایت کنر افغانستان کشته شد. براساس اطلاعات، موتر حامل او با بمب کنار جاده ای برخورد کرد.



عبدالرشید مشهور به عقاب باجوری. منبع: شبکه های اجتماعی

۵- عمر خالد خراسانی

در این میان عمر خالد خراسانی درشت ترین اسم از میان اعضای تحریک طالبان پاکستان است که در خاک افغانستان کشته شده است. از او به عنوان یکی از بنیان گذاران تحریک طالبان پاکستان یاد می شود. عمر خالد خراسانی همچنان رهبر گروه جماعت الاحرار بود که حمله بر پولیس لاین پشاور را بر عهده گرفت. خراسانی جماعت الاحرار را در سال



عمر خالد خراسانی، رهبر گروه جماعت الاحرار و از فرماندهان ارشد تحریک طالبان پاکستان. منبع: شبکه های اجتماعی

۶- اختر خلیل

اختر خلیل از فرماندهان ارشد تحریک طالبان پاکستان بود که در سپتامبر ۲۰۲۲ در ولایت ننگرهار افغانستان کشته شد. او اصالتاً از ناحیه جانی خیل بنو بود. او قبل از پیوستن به تی تی پی گروه خاص خودش را داشته و در سال های اخیر به تحریک طالبان پاکستان پیوسته بود.



اختر خلیل از فرماندهان ارشد تحریک طالبان پاکستان. منبع: شبکه های اجتماعی

۷- مولوی صبغت الله تکل

مولوی صبغت الله تکل در جون ۲۰۲۳ زمانی که تلاش داشت با ۱۵ جنگجوی تحریک طالبان پاکستان از خط دیورند عبور کند، توسط مرزبانان پاکستانی در ولایت پکتیکا کشته شد.



مولوی صبغت الله تکل. منبع: شبکه های اجتماعی

۸- سربه کف مہمند

سربه کف مہمند از جمله فرماندهان ارشد جماعت الاحرار و تحریک طالبان پاکستان بود که در ۲۶ جون ۲۰۲۳ در ولایت کنر فوت کرد. اکسپرس تربیون در گزارشی نوشته که احتمالاً سربه کف مہمند زهر داده شده است. تحلیل گران نیز باور دارند که او در یک وضعیت نامعلوم درگذشته، در حالی که هیچ بیماری جدی نداشته است. احتمالاً درگیری ها و تنش های اخیر میان گروهی تحریک طالبان پاکستان در فوت سربه کف مہمند نقش داشته است.

۹- طارق سواتی

طارق سواتی از فرماندهان ارشد تحریک طالبان پاکستان و مغز متفکر حمله بر بس چینی های در بند داسوی ایالت خیبرپختون خواه بود که در جولای ۲۰۲۳ در افغانستان کشته شد.

۱۰- صفدر

صفدر از فرماندهان ارشد تحریک طالبان پاکستان در ۱۹ جولای سال جاری در غنی خیل ننگرهار مورد حمله قرار گرفت و به شدت زخم برداشت. براساس گزارش ها، او بعد از حمله به شفاخانه آریانا در شهر جلال آباد انتقال یافت.

۱۱- حجت الله ریحان

حجت الله ریحان از جمله مهاجمان انتحاری بود که بر یک مقر ارتش پاکستان در منطقه ژوب ایالت بلوچستان یورش برد. او در این حمله کشته شد و بعد از کشته شدنش عکس هایی در صفحات مجازی نشر شد که نشان می دهد حجت ریحان اصالتاً از ولایت میدان وردک بود. برای او در این ولایت مراسم فاتحه گرفته شد.



اعلامیه فاتحه برای حجت الله ریحان. منبع: شبکه های اجتماعی

۱۲- حمله به نورولی محسود

براساس گزارش ها، در تاریخ ۱۶ جولای سال جاری میلادی، بر کاروان حامل نورولی محسود، رهبر گروه تحریک طالبان پاکستان، در شهر جلال آباد افغانستان حمله صورت گرفت. براساس گزارش ها، او در حال آمدن از جلسه با جماعت الاحرار بوده که موترهای حامل او آماج حمله قرار گرفتند. منابع می گویند که در این رویداد دو محافظ نورولی محسود زخم برداشتند.

این چند مورد، مشت نمونه خروار از حضور گسترده تروریست ها بین المللی در افغانستان است که با تمرکز روی تحریک طالبان پاکستان گردآوری شده است. موارد بالا چند موضوع را آشکار می سازد. یک، گروه طالبان با تحریک طالبان پاکستان رابطه نزدیک دارد و به نیروهای این گروه در افغانستان پناه داده است. براساس گزارش ها، نیروهای تحریک طالبان پاکستان در امتداد خط دیورند اردوگاه های تمرینی و آموزشی دارند. دو، تنش میان تحریک طالبان پاکستان اوج گرفته است و کشته شدن فرماندهان ارشد این گروه دال بر اثبات این ادعا است. سه، هرچند طالبان همواره حضور گروه های بنیادگرا در خاک افغانستان را رد کرده اند؛ اما شواهد نشان می دهد که این گروه در افغانستان حضور گسترده و فعال دارد.

از افغانستان تا ایران..

حس این که در اتاق خودم در کابل هستم، برابرم دست می‌داد. حس خیلی خوبی بود، اما فقط با کمی باز شدن چشمم و هوشیار شدنم، محو می‌شد. خواب‌هایم سنگین و حسرت‌بار بود؛ خواب‌هایی که از وطن داشتم و این‌جا فقط خاطره شده بود. در هفته دوم اقامتم، پشت کار گشتم. دیدن دو کار رفته و برای این که فارسی را با لهجه کابلی حرف می‌زد، مرا برای آن کارها نگره‌نفتند، تا این که خاله‌ام کاری برایم پیدا کرد؛ مارک کفش. از جمله کارهای خیلی خوبی نیست و هیچ ایرانی‌ای آن‌جا کار نمی‌کند. با خاله‌ام بودم و مجبور به حرف زدن نبودم. او با آن‌ها حرف می‌زد و من فقط سکوت می‌کردم تا متوجه نشوند که تازه آمده‌ام، وگرنه شاید استخدام نمی‌کردند و بی‌تجربه گفته رد می‌کردند. برای همین این بار نمی‌توانستم حرف زده ریسک کنم. من باید هر چه زودتر کار پیدا می‌کردم. پول نیاز داشتم. برای شروع یک زنده‌گی از صفر، در یک شهر جدید، پول حرف اول را می‌زند و من هم به پول نیاز داشتم برای کرایه خانه، پول برق و آب و گاز و خوردن و همه چیزهای اولیه‌ای که نیاز داشتم.

آن‌جا فقط سه روز باید امتحانی کار می‌کردم تا کار ما را ببینند. کار ما مارک کفش با دستگاه بود. برای یک دختر که در عمرش اصلا کار نکرده بود، روز اول هر ساعتش خیلی دیر می‌گذشت. شاید آن هشت ساعت، شبیه بیست‌وپنج ساعت تمام شد. گذشته از این حرف‌ها، صاحب کار شده بودم و بعدا هم با پیدا کردن کارهای دیگر وارد آن کارها شدم.

بعضی ایرانی‌ها خیلی خوب رفتار می‌کردند و برخی هم بودند که افغانستانی گفته بد رویه می‌کردند. مثلا فروشنده یک سوپرمارکت به افغانستانی‌ها چیزی نمی‌فروخت و چندین بار از روی ناآگاهی رفته و فقط می‌گفت ندارد. بعدا فهمیدم که نمی‌خواهد به ما (به گفته آن‌ها بیگانه‌ها) چیزی بفروشد. از آن به بعد به دکانش نرفتم. این چیزها برایم ناآشنا نبود. من در کشور خودم هم همیشه به‌عنوان زن و هزاره، خیلی نادیده گرفته شده بودم، برای همین عادت کرده بودم و خیلی راحت می‌توانستم بگذرم. نمی‌دانم این حرفم چقدر درست است. «گذشتن؟» آیا واقعا ارزش گذاشتن، یا نه؟ تا فعلا که فعلا است، این چیزها اذیت می‌کند. پس فراموش نشده است. فقط خودم را به فراموشی می‌زنم. درد جسم شاید خوب شود، ولی درد دل و روح هرگز. شعر صایب تبریزی که می‌گوید «آرامش است عاقبت اضطراب‌ها» را با خود می‌خوانم و می‌گویم زنده‌گی خوب یا بد ادامه دارد و بهتر این است که ما انسانی‌تر رفتار کنیم تا به کسی آسیب نرسانیم. شاید هر کسی در درونش دردی موج می‌زند که دوست دارد فراموش کند؛ اما فراموش شدنی نیست، از تحقیر شدن و نادیده گرفته شدنم در وطن خودم تا طرد شدنم در غربت.

هوا تاریک و سیاه نشده بود، ولی لشکر سیاهی به کابل رسیده بود. به‌ساده‌گی رییس جمهور گریخت و کابل، کابل ما را تسلیم ددخویان کرد. شب اول، هفته اول، ماه و سال اول هر دم منتظر اتفاق تازه بودیم. دم‌به‌دم یک فرمان و یک دستور و یک ممنوعیت و محدودیت تازه به گوش‌مان می‌رسید. همه‌جا را بستند. چشم ما از انتظار باز شدن درب مکاتب به روی دختران که مدت‌هاست منتظرند، خشک شد؛ انتظاری که نمی‌دانیم به پایان می‌رسد یا خیر. دردی که من و خواهرانم تجربه‌اش می‌کنیم، کم نیست. دردی خیلی عمیق، بزرگ و جانگاز است. درد جان‌سوزی است. چشم جهانیان کور و گوش‌شان به فریاد ما زنان کر شد. طالبان اسلام را همچون سلاحی به دست گرفته و با هر فرمان، زنان را از جامعه حذف کرده‌اند. من از نوال سداوی آن روزها می‌خواندم، پزشکی و نویسنده مصری که رنج زنان جامعه اسلامی را روایت کرده است. شاید او خوش‌بخت است که حداقل توانسته رنج زنان سرزمینش را روایت کند و چهره زشت استعمار کهنه و استبداد نو را نشان دهد؛ کاری که امروزه من در سرزمینم قادر به انجام آن نیستم.

طالبان هر روز برای‌مان حرف از اسلام می‌زدند، گویا ما مسلمان نبودیم/نیستیم. جالب این است که آن‌ها سال‌ها بر مساجد، آموزشگاه‌ها و زایشگاه‌ها حمله کردند و هزاران خانواده را داغ‌دار ساختند، در حالی که در همان اسلامی که آن‌ها بیرق آن را به گمان‌شان برافراشته‌اند، قتل یک شخصی به اندازه قتل همه انسان‌ها خوانده شده است و خیلی از موارد اخلاقی دیگر وجود دارد که در تضاد با رفتار طالبان است.

دانشگاه ما به‌طور کامل تمام نشده بود که فرمان بستن درب دانشگاه‌ها به روی دختران را صادر کردند. با مشقت روزهای آخر را سپری کردم و دیدم که دیگر فضا و فرصتی در وطن برایم نمانده است، جز ازدواج و خانه‌دار شدن؛ چیزی که تصور من از آینده نبود و من در شأن خودم نمی‌دیدم. آرزوهای کوچک و بزرگم را در باغچه خانه‌مان خاک کردم و کوله‌بار رنج‌هایم را گرفته به ایران آمدم. آسان نبود، نه. دل به دریا زدم و آمدم. زمانی که از دروازه اسلام‌قلعه گذاشتیم، چیزی در درونم سنگینی می‌کرد. برای آخرین‌بار به عقب نگاه کردم، جز موت‌هایی که در صف تلاشی برای عبور از مرز منتظر بودند، زنان و مردان و کودکانی که به سمت ایران می‌آمدند، چیزی ندیدم. پس چه بود که مرا به خودش می‌کشید؟ شاید وطن بود، شاید خانه بود یا رویاهایم که در باغچه حویلی‌مان مرا صدا می‌زد.

سنگینی بی‌وطنی بر دلم است و تا فعلا خواب افغانستان را می‌بینم و خواب زیستن در خانه را. وقتی بیدار می‌شوم، می‌بینم که در ایرانم، دلم می‌ریزد. هفته اول که تازه آمده بودم، هر صبح بعد از بیدار شدن

تصویر سقوط سیاسی و تمدنی افغانستان و منطقه ما در رتبه‌بندی پاسپورت‌ها

همه‌ساله هزاران تن از هموطنان ما از راه‌های غیرقانونی برای رسیدن به اروپا سفر می‌کنند و خیلی از آنان بدون آن که به مقصد برسند، تمام داروندار ناچیزشان را که حاصل سال‌ها کار در کارخانه‌های ایران، پاکستان، ترکیه و برخی از کشورهای عربی است، از دست می‌دهند.

یونس نگاه

ترانزیت کشور سوم می‌گردد. حتا اگر ویژه برای عبور ترانزیتی از کشور ثالث هم نیاز نباشد، هنگام رسیدن به آن مقاصد معلوم نیست چه برخوردی با مسافر افغان او را برگردانند، وجود دارد. با این حساب، مردم افغانستان در عمل به هیچ جای جهان بدون ویژه نمی‌توانند سفر کنند.

جلال‌آبادی مجبور است بسیار بیشتر از همکار پشوری‌اش بپردازد. مسافر افغان که به‌طور اوسط فقیرتر از دیگران است، با محدودیت‌های بیش‌تر مسافرتی روبه‌رو می‌شود و اگر شانس سفر یافت، مجبور است بیشتر از دیگران پول مصرف کند. این‌گونه مردم ما در زنجیره محرومیت و فقر گیر افتاده‌اند.

افغانستان تنها نیست

همان‌طوری که صدرنشینان این فهرست طیفی از کشورها هستند، در پایین لیست نیز افغانستان تنها نیست. در این فهرست پاکستان، عراق، سوریه، یمن، ایران، بنگله‌دیش و کوسوو نیز جای دارند. میان افغانستان، عراق و پاکستان تفاوت چندانی از این بابت دیده نمی‌شود. پاکستانی‌ها به سه مقصد بیشتر از افغان‌ها می‌توانند بدون ویژه سفر کنند. ایران در وضعیت بهتری است و ایرانی‌ها به چند کشور نسبتاً مرفه از جمله قطر و ترکیه می‌توانند بدون ویژه سفر کنند. اما در مجموع جایگاه ایران تفاوت مهمی با افغانستان ندارد. مثلا پاسپورت سودان جنوبی، اریتره، جمهوری دموکراتیک کنگو و نایجریا قوی‌تر از ایران است. این نکته حکایت از اثرات منطقه‌ای بحران دارد. ما باید اهمیت همکاری‌های منطقه‌ای برای ثبات و پیشرفت و در عین حال خطر سرایت عقب‌مانده‌گی، جنگ و محرومیت را جدی بگیریم. همسایه‌گان ترقی‌خواه، تحصیل‌کرده و صاحب حکومت مردمی بر وضعیت زنده‌گی و جایگاه جهانی ما تاثیر می‌گذارند. این تصور که پاکستان با تخریب افغانستان آباد خواهد شد، اشتباه است، و این که فکر کنیم اگر ایران ویران شود وضعیت افغانستان بهتر خواهد شد، نادانی است. ما باید برای خروج از این منجلاب عقب‌مانده‌گی، استبداد و فقر همکاری کنیم.

در فهرست کشورهای صدرنشین، گفتیم که نام چند کشور آسیایی دیده می‌شود، ولی در کل آن مقام از غرب و به‌خصوص اروپایی‌هاست. در لیست صاحبان ضعیف‌ترین پاسپورت‌ها نیز تعدادی کشور غیرمسلمان و دور از منطقه ما دیده می‌شود؛ اما این مقام از آن خاور میانه و کشورهای اسلامی است. پانزده کشور در این بخش از فهرست کشورهای اسلامی‌اند. همه به‌جز کوسوو غیراروپایی‌اند. کوسوو تنها کشور اروپایی شامل در این جمع نیز ساکنانش مسلمانند. جهان از بخشی از ساکنان این کره خاکی و پیروان یکی از ادیان مهم، هراس دارند و به آن‌ها با چشم شک و تردید نگاه می‌کنند. این‌طور نیست که تنها غربی‌ها و نامسلمانان از ساکنان منطقه ما هراس داشته باشند. رفت‌وآمد میان ساکنان این کشورهای عقب‌مانده نیز بسیار سخت است. خود اینان نیز از همدیگر در هراسند و از دادن ویژه به برادران همکیش خود اجتناب می‌کنند. در رتبه‌بندی پاسپورت‌ها سقوط تمدنی منطقه ما آشکارا به چشم می‌آید.

زنجیره فقر و محرومیت

بیست‌و دو کشور جهان در این رتبه‌بندی با تفاوت‌های جزئی در صدر فهرست قرار گرفته‌اند. سنگاپور که دارنده‌گان پاسپورتش به ۱۹۲ کشور بدون ویژه سفر می‌توانند، در صدر لیست برترین‌ها قرار دارد و پرتغال و سوئیس در پایان آن. با آن که سنگاپور در صدر فهرست است و جاپان نیز در جمع این بیست‌و چند کشور دیده می‌شود، ولی نفوس اصلی صدرنشینان از غرب و به‌خصوص اروپاست؛ همان کشورهای که به‌خاطر برتری در شرایط تحصیل، کار و آزادی‌های مدنی و سیاسی شهروند و مردم از نقاط مختلف جهان همه‌ساله تلاش دارند به آن‌ها بکروند. برای ساکنان افغانستان و منطقه ما که از نعمات آزادی، کار و تحصیل محرومند، اروپا ناف زمین و قبله جوینده‌گان رفاه و آزادی شده است. همه‌ساله هزاران تن از هموطنان ما از راه‌های غیرقانونی برای رسیدن به اروپا سفر می‌کنند و خیلی از آنان بدون آن که به مقصد برسند، تمام داروندار ناچیزشان را که حاصل سال‌ها کار در کارخانه‌های ایران، پاکستان، ترکیه و برخی از کشورهای عربی است، از دست می‌دهند. بدتر از آن هر سال صدها تن در راه سفر قاچاقی به اروپا جان می‌دهند. سازمان بین‌المللی مهاجرت امسال اعلام کرده است که از سال ۲۰۱۴ تا کنون ۵۰۰ پناهجوی افغان در مسیر اروپا تلف شده‌اند. این، رقمی است که دولت‌ها و نهادها ثبت کرده‌اند. تعداد واقعی قربانیان به‌مراتب بیشتر از این است.

کشورهایی که ساکنان آن‌ها امکان سفر به بیشتر نقاط جهان را بدون ویژه دارند، به مقاصدی که نیازمند ویژه می‌باشند نیز بدون درد سر می‌توانند سفر کنند. ساکنان کشورهای محروم، به‌خصوص افغانستان اما از بیشتر تر نقاط جهان اصلا نمی‌توانند ویژه بگیرند. اکنون گرفتن ویژه دو کشور همسایه‌ای که خود به زندان‌های دیپلماتی و سفر بدل شده‌اند (پاکستان و ایران) آرزوی خیلی از هموطنان ماست. این کشورها به‌خصوص از زمان برگشت طالبان به قدرت ویژه را به تجارت پردرآمدی بدل کرده‌اند و گاه افراد برای سفر صحنی یا گریز از محیط طالبانی مجبور می‌شوند چند هزار دالر به‌خاطر خرید ویژه در بازار سیاه و تکت‌های سفر مصرف کنند. تکت سفر برای کارگران و مریضان افغان در کشورهای منطقه در خیلی مواقع بسیار گران‌تر از تکت کشورهای دیگر است. مثلا زمانی که دو کارگر از شارجه قصد برگشت به پشاور و جلال‌آباد را می‌کنند، کارگر

سختی‌های گرفتن ویژه برای سفر به بیرون از افغانستان را همه خبر داریم، ولی آنچه بعد از گرفتن ویژه بر سر مسافران افغان می‌گذرد تنها برای گروه کوچکی از هموطنانی معلوم است که آن قدر خوش‌شانس و یا صاحب پول و امکانات بوده‌اند تا ویژه بگیرند و سفر کنند. آن ارزش‌مندترین کتابچه وطن ما سند تعلق به عقب‌مانده‌ترین و بسته‌ترین کشور جهان است. کشوری که عملا کل جهان دروازه‌هایش را به‌سمت آن بسته است. در میدان‌های هوایی با دارنده‌گان آن کتابچه برخورد ویژه می‌شود. هر فرد صاحب آن کتابچه قیمتی افغانستان، بالقوه خطرناک و مشکوک محسوب می‌شود. ماموران گمرکی با دقت چندبرابر اسناد و ظاهر مسافران افغان را ارزیابی می‌کنند، و ماموران امنیتی متوجه حرکات‌شان هستند. حتا هیات‌های رسمی که پاسپورت افغانستان را دارند، با دقت و تردید ارزیابی می‌شوند. در برخی از کشورها مسافران افغان را از صف اصلی کنار کشیده و مثل گله گوسفند جدا کرده و به دفتر یا مسیر جداگانه برای ارزیابی مجدد انتقال می‌دهند. نگاه هموطنان ما در آن لحظات که پاسپورت به‌دست در گوشه‌ای ایستاده و عبور سیال و بی‌جنجال دیگران را تماشا می‌کنند، دردآور است.

احتمالا در خبرها خوانده‌اید که افغانستان در تازه‌ترین رتبه‌بندی پاسپورت‌های جهان، در پایین‌ترین جایگاه نشسته است. این رتبه‌بندی هر سه ماه یک‌بار از سوی نهادی موسوم به «هنلی» و با استناد به اطلاعات انجمن حمل‌ونقل هوایی بین‌المللی انجام می‌یابد و در آن عوامل متعددی در نظر گرفته می‌شود، از جمله تعداد کشورهایایی که صاحبان پاسپورت می‌توانند بدون ویژه سفر کنند، روابط دیپلماتیک کشور مورد نظر با جهان و نیز توافقات بین‌المللی‌ای که آن کشور امضا کرده است. افغانستان اکنون در روابط بین‌الملل سرزمین بی‌دولت است. توافقات بین‌المللی کشور به‌دلیل نبود حکومت رسمی بی‌معنا گردیده و در نتیجه زمینه سفر و تحرک از مردم ما گرفته شده است. افغان‌ها به هیچ یکی از مقاصد اصلی خارجی مورد نیاز، نمی‌توانند بدون ویژه سفر کنند. ۲۷ مقصدی که در فهرست هنلی سفر افغان‌ها به آن‌جا بدون ویژه ممکن خوانده شده تعدادی جزیره و کشورهای‌اند که مردم افغانستان نیاز سفر به آن‌ها را ندارند. جزایر کومرو، جزایر کیپ وردی، هابیتی، دومینیک، موراگو و بنگله‌دیش از جمله این مقاصدند. با توجه به هراسی که از افغانستان وجود دارد، سفر به ظاهر آزاد مردم ما به آن مقاصد نیز نمی‌تواند بدون درد سر باشد. پرواز مستقیم بین افغانستان و هیچ یکی از این مقاصد شاید وجود نداشته باشد و اگر کسی از کابل قصد سفر به یکی از این کشورها و جزایر را کند، به احتمال زیاد نیازمند ویژه

۸ صبح، کابل: فدراسیون فوتبال افغانستان می‌گوید که حلیم آقا شیرزاد، داور بین‌المللی فوتبال افغانستان به عنوان داور وسط بازی دوستانه و پیش فصل پورتو در برابر کاردیف سیتی انتخاب شده است. فدراسیون فوتبال افغانستان روز جمعه، ۳۰ سرطان، با نشر خبرنامه‌ای این مطلب را نگاهشته است. طبق خبرنامه، این دیدار فردا در شهر الگاروه پرتگال با قضاوت آقای شیرزاد برگزار می‌شود. با این حال، گفتنی است که وی در دیدار دوستانه اسپورتینگ لیسبون پرتگال با ریال سوسیداد اسپانیا که تا چهار روز دیگر برگزار خواهد شد، به عنوان کمک داور ویدیویی انتخاب شده است.

ریس تیم برنامه جهانی غذا در یمن ترور شد



پارلمان جمهوری چک پیمان دفاعی با آمریکا را تصویب کرد

پارلمان چک، یک معاهده دفاعی را تصویب کرد که چارچوبی برای حضور نظامی ایالات متحده در خاک آن کشور را فراهم و روابط میان دو عضو ناتو را تقویت خواهد کرد.

بربنیاد گزارش رویترز، این معاهده روز چهارشنبه، ۱۹ جولای، از سوی پارلمان چک تصویب شده و برای رییس جمهور این کشور فرستاده شده است. یانا سرنوچووا، وزیر دفاع جمهوری چک گفت: «این توافق کاملاً به نفع منافع ملی ماست. ما یلم خاطرنشان کنیم که این پیمان ثابت می‌کند که روابط ما و آمریکا در حال حاضر در سطح بسیار بالایی قرار دارد.»

او اضافه کرد: «این پیمان خصوصاً از آن جهت مهم است که با توجه به شرایط جاری، متأسفانه در چند صد کیلومتری مرزهای شرقی ما تهاجم بی‌رحمانه نظامی روسیه رخ داد و اروپا به دلیل بزرگترین مناقشه نظامی پس از جنگ جهانی دوم مورد تهدید قرار گرفته است.»

این پیمان که «توافق‌نامه همکاری دفاعی» نام دارد، اکنون برای تصویب نهایی به امضای پتر پاول، رییس جمهوری چک نیاز دارد. وی ژنرال بازنشسته ناتو است.

جمهوری چک بیست و پنجمین عضو ناتو است که چنین پیمانی را تصویب می‌کند. این کشور پیش از این، با لگدهای تهاجمی و چندمنظوره آمریکا را خریداری کرده بود و در نظر دارد، ۲۴ فروند جنگنده اف-۳۵ نیز خریداری کند. پس از آغاز جنگ اوکراین، برخی کشورها روابط خود را با اعضای ناتو تقویت کرده‌اند.

اوکراین، فنلند و سوئد پیشتر خواستار پیوستن به این سازمان شده بودند که از این میان، تاکنون تنها فنلند عضویت ناتو را بدست آورده است.

چندین تن دیگر نیز در پی این تیراندازی زخمی شده‌اند. تا کنون گروهی مسولیت این رویداد را بر عهده نگرفته است. این ترور پنج سال پس از قتل کارمند لبنانی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در منطقه الضباب در جنوب غرب تعز توسط عاملان مسلح روی داده است. گفتنی است که درگیری در یمن در سال ۲۰۱۴ با تصرف صنعا، پایتخت این کشور، توسط حوثی‌ها آغاز شد و ایتلاف به رهبری عربستان سعودی را وادار کرد تا سال بعد مداخله کند. این درگیری‌ها سبب شد تا یمن را به یکی از بدترین بحران‌های بشردوستانه در جهان تبدیل کند.

کشور ترور شد. الجزیره به نقل از قاسم بوحیبه، وزیر صحت یمن، گزارش داده که حمیدی روز جمعه، ۲۱ جولای، ترور شده است. بوحیبه در توییتری مرگ این مقام برنامه جهانی غذا (WFP)، را به خانواده‌اش تسلیت گفته است. براساس گزارش‌ها موبد حمیدی، توسط دو فرد مسلح موتورسایکل‌سوار در منطقه التربه ولایت تعز در یکی از رستوران‌ها ترور شده است. در همین حال، ریچارد راگان، نماینده WFP در یمن گفته است: «از دست دادن همکار ما یک تراژیدی عمیق برای سازمان ما و جامعه بشردوستانه است. هرگونه تلفات جانی در خدمات بشردوستانه یک تراژیدی غیرقابل قبول است.»



رسانه‌های بین‌المللی گزارش دادند که موبد حمیدی، رییس اردنی تیم برنامه جهانی غذا در یمن، در جنوب این

کوریای شمالی آمریکا را به حمله هسته‌ای تهدید کرد



طی چهار دهه گذشته خبر دادند. واشنگتن آخرین بار در سال ۱۹۸۱ یکی از زیردریایی‌های خود با قابلیت هسته‌ای را در کوریای جنوبی مستقر کرده بود.

همچنان سنول و واشنگتن در پاسخ به تهدیدات پیونگ یانگ و پرتاب‌های مکرر موشک، همکاری‌های دفاعی خود را افزایش داده‌اند و تمرین‌های نظامی مشترکی را با جت‌های رادارگریز پیشرفته و دارایی‌های راهبردی ایالات متحده برگزار کرده‌اند.

آنان اولین نشست گروه مشورتی هسته‌ای خود را روز سه‌شنبه هفته گذشته در سنول برگزار کردند که هدف آن بهبود هماهنگی هسته‌ای و تقویت آمادگی نظامی علیه کوریای شمالی است.

این اظهارات درحالی مطرح شده است که رسانه‌های آمریکایی چهار روز پیش از استقرار نخستین زیردریایی هسته‌ای ایالات متحده در کوریای جنوبی برای اولین بار

کوریای شمالی در واکنش به استقرار زیردریایی هسته‌ای آمریکا در کوریای جنوبی، واشنگتن را به حمله هسته‌ای تهدید کرد.

بربنیاد گزارش رویترز، کانگ سون نام، وزیر دفاع کوریای شمالی روز پنجشنبه، ۲۰ جولای، به آمریکا هشدار داد که حضور زیردریایی هسته‌ای این کشور در کوریای جنوبی زمینه را برای این که پیونگ یانگ، تبعات هسته‌ای اقدام آمریکا را بررسی کند، فراهم کرده است.

او تصریح کرد: «به ارتش آمریکا این واقعیت را یادآوری می‌کنم که نمایان شدن فزاینده زیردریایی هسته‌ای و سایر تجهیزات راهبردی جزو شرایطی است که در قوانین کوریای شمالی درباره سیاست نیروهای هسته‌ای استفاده از سلاح‌های اتمی را مجاز می‌کند.»

آمریکا ۱۴ بانک عراقی را به اتهام ارسال دالر به ایران تحریم کرد



مقام‌های آمریکایی گفته‌اند که برخی از این تراکنش‌های جعلی ممکن است، با افراد تحریم شده از سوی ایالات متحده مرتبط بوده باشد و این موضوع نگرانی‌ها درخصوص منفعت بردن ایران از آن را بیشتر می‌کند.

یک مقام ارشد آمریکایی افزود: «ما دلایل قوی داریم تا شک داشته باشیم که برخی از اموال پول شویی شده ممکن است به اشخاص تحریم شده یا افرادی که بعداً تحریم می‌شوند، منفعت برسانند و قطعاً تهدید اصلی تحریم‌ها در عراق با ایران مرتبط است.»

بانک‌هایی که در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارند، شامل بانک اسلامی المستشر، بانک اربیل، بانک جهانی

وال استریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داده که ایالات متحده ۱۴ بانک عراقی را از انجام معاملات دالر منع کرده است.

در این گزارش که روز چهارشنبه، ۱۹ جولای، نشر شد، آمده است که این تحریم از سوی وزارت مالیه و بانک فدرال ایالات متحده به اتهام ارسال دالر آمریکایی به ایران وضع شده است.

بربنیاد این گزارش، ایالات متحده اطلاعاتی را دریافت کرده است که بانک‌های عراقی در پولشویی و تراکنش‌های جعلی دست داشته‌اند.

پوتین: اگر تمامی شروط روسیه برآورده شود، فوراً به توافق غلات باز می‌گردیم

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، در واکنش به این تصمیم کرملین گفت اقدام مزبور به معنی پایان توافق سازمان ملل و مسکو به منظور تسهیل صادرات غلات و کودهای شیمیایی روسیه است.

روسیه و اوکراین در سال گذشته قراردادی را برای بازگشایی بنادر دریای سیاه اوکراین به منظور صادرات غلات امضاء کردند.

این اقدام برای فروکش کردن بحران غذایی در جهان که با تهاجم روسیه به اوکراین شدت پیدا کرده بود، صورت گرفت.

او اضافه کرد: «باید همه موانع پیشروی بانک‌ها و موسسات مالی روسیه در زمینه فروش مواد غذایی و کود برداشته شود، این شامل اتصال آنها به سیستم پرداخت بانکی بین‌المللی سوئیفت نیز می‌شود.»

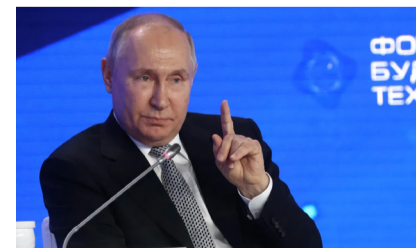
تصمیم دو روز پیش روسیه مبنی بر پایان توافق در زمینه صادرات غلات اوکراین با موجی از محکومیت‌های جهانی مواجه شده است.

نماینده آمریکا در سازمان ملل با متهم کردن روسیه به «گروگان گرفتن بشریت» گفت که خروج روسیه از توافق با اوکراین یک «عمل ظالمانه» است.

توافق‌نامه بازخواهد گشت.

بربنیاد گزارش رویترز، پوتین این اظهارات را روز چهارشنبه، ۱۹ جولای، در نشست با مقام‌های روسی در مسکو مطرح کرده است.

او تصریح کرد: «غرب این ماهیت را کاملاً از بین برده و منحرف کرده است و به جای کمک به کشورهای نیازمند واقعی، غرب از معامله غلات برای باج‌گیری سیاسی استفاده کرد و علاوه بر آن، این توافق را به ابزاری برای غنی‌سازی شرکت‌های فراملیتی، دلان در غلات جهانی تبدیل کرد.»



ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه می‌گوید که ادامه توافق‌نامه غلات دریای سیاه به شکل فعلی برای کشورش بی‌معنی است، اما در صورت برآورده شدن تمامی شرط‌های مورد نظر روسیه، مسکو به این